



«پروین چرخ گردون» دخت رخشنده دیار مشروطه

زن توی تصویر نه اخم دارد و نه خنده. چهره‌اش مصمم و سرسخت به نظر می‌رسد. انگار خون‌زنان آذربایجانی را به ارث برده که اینطور پرهیبت ایستاده.

هرگاه اسمی از تبریز و داشته‌هایش می‌شود، مگر ممکن است یادی از شهریار نکنیم و نگوییم اینجا دیار شهریار است؟ ولی صادقانه که نگاه کنیم حتی در ادبیات کلامی و درون‌شهری خود هم گاه فراموش می‌کنیم که اینجا دیار پروین هم هست!

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، زن توی تصویر نه اخم دارد و نه خنده. چهره‌اش مصمم و سرسخت به نظر می‌رسد. انگار خون‌زنان آذربایجانی را به ارث برده که اینطور پرهیبت ایستاده. لب‌های چفت شده و نگاهش می‌گوید آماده است برای مبارزهای جانانه با رسم کجدار زمانه. زن توی تصویر «پروین» جوان است.

این عکس معروف و این گره روسری و چشم‌هایی که معلوم نیست رو به کجا دارد و در عین سرسختی انگار یک غم عجیب هم دارد. غمی به وسعت دنیا! خودش می‌گوید:

ره و رسم گردون دل آزدن است شکفته شدن بهر پژمردن است

می‌گویند بدترین نوع غربت، غربی در موطن آدمی است. این شاید بهترین تعبیر برای گفتن از «پروین اعتصامی» است. شاعرهای که خوب می‌دانیم هیچ‌گاه آنچنان که باید از او یاد نشده و همواره نامش در مهجوریت باقی مانده است.

تقویم یادآور خوبی برای مناسبت‌های فراموش شده است، 25 اسفند تولد پروین اعتصامی بهانه‌ای کوچک برای گفتن از بانوی شعر ایران است.

هرگاه اسمی از تبریز و داشته‌هایش می‌شود، مگر ممکن است یادی از شهریار نکنیم و نگوییم اینجا دیار شهریار است؟ ولی صادقانه که نگاه کنیم حتی در ادبیات کلامی و درون‌شهری خود هم گاه فراموش می‌کنیم که اینجا دیار پروین هم هست!

از شاعران، فرهیخته‌ها و استاد‌های دانشگاه گرفته تا همین مردم کوچه و بازار اگر از تک تک این مردم بخواهید تا بزرگ‌ترین شاعر زن 10 قرن ادبیات ایران را نام ببرند، بی‌شک شمار آنهایی که از طاهره قره‌العین، زینب النساء، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد اسم می‌برند، به تعداد انگشت‌های یک دست هم نمی‌رسد.

اما قطعاً نظر قالب «پروین اعتصامی» خواهد بود اما پرسش اینجاست که چرا همین مردم که هیچ‌کدام به جایگاه بلند پروین شک ندارند، شاعر همشهری خود را خوب نمی‌شناسند. شعرش را خیلی کم می‌خوانند و هوایش را ندارند؟

دین ما به پروین آنقدری زیاد است که برای گفتن از او باید تقویم و تاریخ را از یاد برد. شعرش را خواند و دیوانش را در قفسه کتاب‌های خانه‌ها جای داد. زن توی تصویر حق دارم غمگین باشم و نا امید!

برای پیدا کردن یک تاریخ در مورد پروین اعتصامی اسمش را در موتور جستجوگر می‌نویسم و توقع دارم اطلاعات خوبی پیدا کنم. نتیجه فاجعه بار است. جز چند سطر بیوگرافی و چند تاریخ چیز دیگری از زندگی بانوی شعر تبریز پیدا نمی‌کنی.

این بار مصمم‌تر جستجو می‌کنم ببینم برای سالروز تولدش در دیار زادگاهش چه برنامه‌هایی قرار است برپا شود، باز هم نتیجه چیزی جز صفحات خالی نیست! پروین جان! انگار دم دمه‌های عید نوروز همه را گرفتار کرده است. بر ما ببخش بانو.

«رخشنده اعتصامی» مشهور به پروین اعتصامی در 25 اسفند 1285 در تبریز به دنیا آمد. تنها دختر خانواده بود و چهار برادر داشت. پدرش یوسف اعتصامی مردی فاضل و ادیب بود؛ شش ساله بود که به همراه خانواده‌اش از تبریز به تهران مهاجرت کرد.

18 ساله بود که به دو زبان عربی و انگلیسی تسلط داشت؛ مدتی در مدرسه آمریکایی‌ها زبان و ادبیات انگلیسی تدریس کرد؛ در سال 1313 با رئیس شهربانی کرمانشاه ازدواج کرد و به ناچار همراه شوهر خود راهی کرمانشاه شد.

این سفر، آغازی بود بر زندگی پر درد پروین بود. خوی نظامی همسر با روح شاعرانه پروین نمی‌خواند و این برای شاعری چون پروین که تا چشم گشوده بود، بهار و دهخدا و مشروطه‌چیان مبارز را مهمان خانه پدری دیده بود، سخت بود که شاهد شب‌نشینی‌ها و میگساری‌های دوستان همسرش باشد.

اینطور شد که بعد از یک سال، مهر خود را بخشید و از همسرش جدا شد اما اندوه شکست را با وقار و آرامش به جان خرید و هیچ‌گاه حرفی از آن نگفت. به این ترتیب شاعر تبریزی، شعر و ادبیات را دوباره از سر گرفت.

پروین از سال 1315 به مدت دو سال مدیریت کتابخانه دانشسرای عالی را بر عهده داشت. در همین سال دیوان خود را با مقدمه مرحوم ملک الشعرای بهار منتشر کرد.

یک سال بعد در سال 1316 در سوگ پدر ادیبش داغدار شد. کوچ پدر تلخ‌ترین حادثه زندگی پروین بود، مدتی بعد پروین در بستر بیماری افتاد، طبیبان بیماری وی را "حصه" تشخیص دادند.

جسم و جان شاعر تبریزی هر روز نحیف‌تر از دیروز می‌شد و دیگر امیدی نبود. پروین در 15 فروردین 1320 در سن 35 سالگی در تهران درگذشت و در حرم حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد.

دیوان پروین، شامل 248 قطعه شعر است که از آن میان 65 قطعه به صورت مناظره است. اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب قطعات ادبی است که مضامین اجتماعی را با دیده انتقادی به تصویر کشیده است. در میان اشعار پروین، تعداد زیادی شعر به صورت مناظره میان اشیاء، حیوانات و گیاهان وجود دارد.

درون‌مایه اشعار وی بیشتر غنیمت داشتن وقت و فرصت‌ها، نصیحت‌های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان، ضعیفان و ناپایداری دنیاست. در شعر پروین استفاده‌هایی از سبک شعرای بزرگ پیشین نیز شده است.

اشعار وی را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد، دسته اول که به سبک خراسانی گفته شده و شامل اندرز و نصیحت است و بیشتر به اشعار ناصر خسرو شبیه است.

دسته دوم اشعاری که به سبک عراقی گفته شده و بیشتر جنبه داستانی به ویژه از نوع مناظره دارد و به سبک شعر سعدی نزدیک است. این دسته از اشعار پروین شهرت بیشتری دارند.

اینها تقریباً تمام آن چیزی بود که امروز از زندگی پروین در دست است.

به اعتقاد کارشناسان عمده دلیل اینکه چرا شاعر بزرگی همچون پروین این چنین غریب و بی‌صدا مانده، شاید به سبک و نوع شعر پروین مربوط می‌شود، مثلاً اگر امروز عده زیادی با شعر فروغ ارتباط برقرار می‌کنند و بیشتر از وی یاد می‌شود، این نزدیکی و ارتباط به نوع شعر فروغ برمی‌گردد.

مثلاً از آنجا که مثنوی به لحاظ قافیه محدودیت سایر قالب‌ها را ندارد، شعر موضوعات طولانی است و در داستان‌سرایی از آن استفاده می‌شود.

پروین اعتصامی نیز براساس نوع ادب تعلیمی خود پس از قالب قطعه به مثنوی توجه زیادی دارد. مثنوی‌های پروین شامل 49 حکایت است و تقریباً یک چهارم کل اشعار وی را شامل می‌شود.

موضوع اغلب حکایت‌های ارائه شده در قالب مثنوی در دیوان پروین اخلاقی و تعلیمی است، روش پروین به عنوان آخرین حلقه حکایت‌پردازی روش حکایت‌پردازی بزرگان شعر کلاسیک فارسی است به علاوه اینکه برخی مفاهیم اجتماعی زمان شاعر نیز در این حکایت‌ها نمود و تجلی پیدا کرده است.

حجم کار پروین نشان از فعالیت مدام شاعر دارد، چرا که اگر عمر شاعری وی را 17 سال حساب کنیم در این 17 سال 209 قطعه، مثنوی و قصیده سروده است که به طور متوسط هر سال میان 11 تا 13 شعر نتیجه کار وی است.

نباید فراموش کنیم که پروین اعتصامی یکی از شاعران بزرگ معاصر شعر فارسی است که شخصیت هنری وی دارای ابعاد

مختلفی است، پروین علاوه بر اینکه جایگاه خاصی در تجدد محتوایی شعر فارسی دارد، در تدوین تاریخ ادبیات شعر فارسی نیز نقش مهمی داشته که باید به آن توجه شود.

عده ای دیگر نیز به تاثیر روحیه زنانه در شعر پروین اشاره کرده و معتقدند: قدرت توصیف پروین در حکایات مثنوی‌ها ممتاز و هنری است. ویژگی توصیف دقیق و قوی را از ویژگی‌های اصلی سبک پروین باید دانست که در دیوان وی نیز نمود خاصی دارد، انتخاب واژگان و تصویرهایی که شاعر در بیان مقصود خود ارائه می‌دهد برخاسته از روحیه زنانه پروین است.

کوچ زود هنگام از تبریز و زیستن در پایتخت و به دور از سرزمین پدری از دیگر مواردی است که در دلیل غربت و کمرنگی پروین از آن یاد می‌کنند.

با وجود تمام اینها که گفته شد باید قبول کنیم که هوای شاعر همشهری خود را نداشته و نداریم و از کنار روح زنانه پروین به سادگی عبور می‌کنیم.

ای خوش از تن کوچ کردن، خانه در جان داشتن روی مانند پری از خلق پنهان داشتن

همچو عیسی بی‌پر و بی‌بال بر گردون شدن همچو ابراهیم در آتش گلستان داشتن

کشتی صبر اندرین دریا افکندن چو نوح دیده و دل فارغ از آشوب طوفان داشتن

در هجوم ترک‌تازان و کمانداران عشق سینه‌ای آماده بهر تیرباران داشتن

روشنی دادن دل تاریک را با نور علم در دل شب، پرتو خورشید رخشان داشتن

همچو پاکان، گنج در کنج فناعت یافتن ... مور قانع بودن و ملک سلیمان داشتن

وجود تمام اینها که گفته شد باید قبول کنیم که هوای شاعر همشهری خود را نداشته و نداریم چرا جز وقتی که بخواهیم از خیابانی که آن بالا بالاها شهر، واقع شده اسم ببریم، از پروین یاد نمی‌کنیم؟ چرا زمانی که چند 10 کیلومتر آن طرف‌تر «صائب تبریزی» را «صائب اصفهانی» می‌نامند رگ غیرت همه ما بیدار می‌شود ولی از کنار روح زنانه پروین به سادگی عبور می‌کنیم.

خانه پروین اعتصامی در تبریز

شعر روی قبر پروین اعتصامی

اینکه خاک سپهش بالین است

اختر چرخ ادب پروین است

گر چه جز تلخی ز ایام ندید

هر چه خواهی سخنش شیرین است

صاحب آنهمه گفتار امروز

سائل فاتحه و یاسین است

دوستان به که ز وی یاد کنند

دل بی دوست دلی غمگین است

خاک در دیده بسی جان فرساست

سنگ بر سینه بسی سنگین است
ببند این بستر و عبرت گیرد
هرکه را چشم حقیقت بین است
هرکه باشی و ز هر جا برسی
آخرین منزل هستی این است
آدمی هر چه توانگر باشد
چون بدین نقطه رسید مسکین است
اندر آنجا که قضا حمله کند
چاره تسلیم و ادب تمکین است
زادن و کشتن و پنهان کردن
دهر را رسم و ره دیرین است
خرم آن کس که در این محنت‌گاه
خاطری را سبب تسکین است